

استادیوم سازی‌اش برای اولین بار در دنیا اجرا می‌شد. بعد از انقلاب استادیوم آزادی شاهدِ دو ماجرای جنجالی بود که احتمالاً درباره‌اش نخواندید. اولی پناه بردن آیت‌الله طالقانی از رهبران محبوب انقلاب به اتاق‌های دور دریاچه ورزشگاه آزادی بود که هنگام دلگیری از تندرستی نیروهای افراطی، از طریق محمد شاه حسینی رئیس ورزش دولت موقت، چند شبی را به تنهایی در آنجا گذراند و هیچ‌کس هم نفهمید. دیگری هم چند ماه پس از پیروزی انقلاب بود که وقتی ورزش و فوتبال از نشانه‌های دورانِ طاغوت قلمداد شد، در تلویزیون اعلام شد مجموعه‌ی ورزشی آزادی تبدیل به گردشگاه شده و شهروندان هجوم بردند و چنان چمن‌ها را نابود کردند که يك هفته بعد، سرهنگ آزیدهاكَ رئیس انتظامات سازمان ورزش با اعلام اینکه «اینجا ورزشگاه است نه تفریحگاه» مجبور شد با آژان‌هایش، مردم خوشگذران و طبیعت‌دوست و بی‌مهار را از لای درختان دور دریاچه جارو کنند. داستانِ ما و ورزشگاه آزادی، داستانِ کاهشِ کیفیتِ خدمات، زندگی، تکنولوژی و زیرساخت‌هاست. داستانِ تورمِ لجام گسیخته و مدیرانِ بی‌مسئولیت. داستانِ تنهایی‌ها. روایتِ حسرت‌ها. همین دیروز بود که مشخص شد علتِ اصلیِ زرد شدنِ چمنِ ورزشگاهِ آزادی چیست.

به دلیلِ کمبودِ آب در شهر تهران، آبِ دریاچه را به زمینِ چمن دادند و آن آبِ غیراستاندارد، آفت و علف‌های هرز و قارچ را به چمن داده است. حالا مجموعه‌ی آزادی نه آبِ دریاچه دارد و نه چمنِ سبز برای فوتبال. بیشتر بنویسم از بلاهتِ این مدیران؟